

نقدمجموعه‌داستان «لِیتیم کربنات» نوشته‌بهاره ارشد ریاحی

اشکان اختیاری
جمال میرصادقی گفته رمان محصول دوران ثبات است و داستان کوتاه حاصل جامعه ناآرام و دستخوش تغییر.هرچند گفته میرصادقی درباره جامعه و تأثیر آن

به مولف است اما گاهی فراتر از این دید اجتماعی می‌رود. این جمله درباره ذهن خودنویسنده نیز صدق می‌کند. یعنی می‌توان گفت داستان کوتاه زاده ذهنی در حال رشد و تجربه‌است که تغییرات بزرگی را برای شکافتن پيله خود پشت‌سر می‌گذارد. مجموعه «لیتیم کربنات» شاهد خوبی بر این مدعاست. مجموعه‌ای که نشانه تجربه نویسنده در ساحت‌های مختلف زبان و روایت است. داستان‌ها ساختارهایی متفاوت دارند با زاویه‌دید و خط سیرهایی منحصربه‌فرد. اما در آنچه در تمام داستان‌ها مشهود و مشترک است، آشفته‌گی روایت است و گاه ناتمام و منقص (گفتین چند سال‌تونه و سردرد زیر چراغ‌های روشن شب) و گاه گنگ (لیوان یکبار مصرف نیمه‌پر). گویی طرح مسیر خود را در میانه روایت گم می‌کند و همتاجا درمی‌ماند. در واقع نویسنده بدون اینکه به روند دراماتیزه کردن داستان اهمیتی بدهد آن را پیش می‌برد و این مساله بعضی جاه‌از همراه شدن خواننده جلوگیری و خواندن داستان‌ها را برای خواننده سنی داستان کمی سخت می‌کند؛ خواننده‌ای که توقع گرافیکتی و گره‌گشایی دارد و منتظر حرکت داستان از نقطه آ به ب است. برخلاف روایت، داستان‌ها در حوزه زبان بسیار قدرتمند و محکمند. ساختارهای زبانی با دقت انتخاب شده‌اند و حرکت یکدست‌شان با محتوای از گسیختگی طرح پیشگیری کرده و خواننده را همچنان همراه نگاه می‌دارد. ویژگی‌های زبان‌شناسی و نشانه‌شناختی در آثار این کتاب بسیار مشهودترند و حوزه زبانی به حوزه روایت چربش دارد. نویسنده در تلاش برای آمیختن این دو حوزه دست به تجربه‌های بدیعی زده مانند ساختارهای نمایشی؛ من راوی نویسنده حتی تولید داستان کلان از ادغام دو داستان. انگار نویسنده سعی دارد داستانی بدون نیاز به روایت بنویسد اما میل به قصه‌گویی یا شاید احساس تکلیف برای داشتن رخداد و ساختار کلاسیک در داستان‌ها او را وادار می‌کند

سلسله‌ای از وقایع برای طرح خود انتخاب کند. اما نقطه اوج کتاب داستان قرض خواب است. این‌بار نویسنده رخدادهای کنار می‌گذارد و با آزادی کامل می‌نویسد. داستان با زبانی ساده شروع می‌شود با توصیفاتی دم‌دستی و راحت. ساخت‌های زبانی بدون پیچیدگی خاصی یکی بعد از دیگری می‌آیند و سرچایشان می‌نیشینند. بعد از دو پاراگراف این‌ها همین ساخت ساده زبانی تشخیص پیدا می‌کند و فضای مدنظر نویسنده را شکل می‌دهد؛ فضایی ساکن و تاریک، رویتن و قابل پیش‌بینی. در اینجا زبان خود تبدیل به روایت شده و کارکرد پیش‌برنده می‌گیرد، تعلیق ایجاد می‌کند و کنشگر می‌شود و در سادترین ساخت خود بدل به چیزی می‌شود که نه تنها بستر معنا که خود معناست و به دلیل پویایی ذاتی‌اش می‌تواند در تحلیل نشانه‌شناختی مابین نشانه‌های اجتماعی فرهنگی ادبی ارتباط برقرار کند. رابطه ظریف میان زبان و بازنمایی واقعیت، خود بسیار پیچیده است، اما کنکاش مابین واقعیت و حقیقت یک امر واقع و سپس بازنمایی این کنکاش (در حیطه ادبیات) مشغولیت ذهنی عمده هر هنرمندی‌ست. مسالهای که عمدتا پا از طریق سمبلیسم یا دراماتیزه کردن یک طرح بیان می‌شود، اما در ادبیات پستمدرن و پس از آن خود ساختار زبان، شکست و بازاریابی آن و بازی‌های زبانی نیز در کارکردی نشانه‌شناسانه به بازنمایی این کنکاش عظیم منجر می‌شوند. انگار در دنیای امروز و پس از قرن‌ها تجربه ادیبانه زبان ناگزیر است راه جدیدی برای ارتباط امر واقع تخیلی با حقیقت مورد نظر هنرمند بسابد حقیقتی که فراتر از کلمات و رمزهای قراردادی و تاریخی سعی دارد تنها وابسته به بستر زبانی خود فارغ از تاریخ باشد تا در این ارتباطات آشفته دهکده جهانی بتواند هر‌جا که رفت، خودش را بازنماید و چه بهتر که بی‌نیاز از ارجاج‌ها و بینامتنیت پستمدرن یا پیش‌آگاهی‌های سمبلیسم اثرگذاری خود را به صورت مستقل حفظ کند. این مجموعه تجربه‌ای‌است نویدبخش که خبر از ظهور نویسنده‌ای چیردست و مسلط به تکنیک‌های زبانی و نشانه‌شناسی می‌دهد. حتی اگر این تجربه بهار ارشدریاحی را ناموفق بدانیم خیلی بد نیست.

درددل‌های غیررسمی

فیلمنامه «صدام» خاک می‌خورد

«پایی که جا ماند»، «لا»، «کوچه نقاش‌ها» و «خاطرات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی» از جمله کتاب‌های مرتبط است که در این سال‌ها مطالعه کرده‌ام. خاطرات عزت‌شاهی نیز از آخرین کتاب‌های سیاسی است که خواندم و خاطرات سیاسی آدم‌ها را دوست دارم. از همین رو بود که به ساخت سریال درباره صدام علاقه نشان دادم. علیرضا نادری فیلمنامه این سریال را با نام «کشتر از مرگ» کامل کرده است اما این پروژه سنگین و وسیع است و به حمایت‌های چندجانبه‌ای دروجه مختلف نیاز دارد؛ از وزارت امور خارجه گرفته تا ارگان‌های رسمی‌تری مثل ارتش و سپاه. ما برای ساخت این سریال نیازمند امکاناتی هستیم که باید این ارگان‌ها در اختیار ما بگذارند چون هشت سال جنگ باید در این سریال بازسازی شود.

حتی فعالان سیاسی عراق هم باید از این پروژه حمایت کنند.

دو سال است علیرضا نادری که نویسنده ارزشمندی هم هست به دعوت موسسه اوج فیلمنامه را نوشته و ما با هیجان اعلام کردیم می‌خواهیم درباره صدام یک سریال بسازیم اما هیچ‌کس جدی نگرفت و فیلمنامه ما دارد خاک می‌خورد. آن‌قدر نظرات دل‌سردکننده برای ما آمده است؛ یکی گفته در این شرایط چه نیازی است که زندگینامه صدام را بسازیم؟ می‌گویم: ما خاطر خواه صدام نیستیم که فیلمش را بسازیم. اولاً این پیشنهاد را به ما داده‌اند، ما که حرفی نزدیم. دوما ما به این بهانه می‌خواهیم در مورد یک دیکتاتوری بزرگ در منطقه صحبت کنیم که بعد از عراق به لیبی و مصر سرایت کرد. ما این را می‌خواهیم به چالش بکشیم که این از کجا آمده؟ چه کسی حمایتش کرده؟ غرب چه نقشی داشت؟ چرا به او قول مالکیت کشور کویت را در قبال فلج کردن ایران دادند؟ بعد هم به دلیل شکست عراق در جنگ با ایران، امریکازیر حرفش می‌زند و کویت را به صدام نمی‌دهد. واقعا حرف‌های اساسی برای زدن داشتیم. نویسنده‌ای را که می‌توانست به پروژه‌های دیگری بپردازد پای این کار نماندیم و به اندازه یک اتاق سوزه و فکر و منابع جمع کردیم اما با تکلیف‌های روی زمین مانده است. فیلمنامه، تیم سازنده، همه‌چیز حاضر است اما باز هم نگاه‌های سلیقه‌ای رفتاری سرد با این پروژه دارند. تازه من شنیدم‌این ایده و سوزه از طرف مقامات ارشد سیاسی و فقه‌ای کشور به‌عنوان یک نیاز شناخته شده و گفتند چرا در این زمینه‌ها کاری نمی‌کنید؟ از آنجا نیازسنجی شده که چرا حرفی نمی‌زنید درباره بلاهایی که صدام بر سر مردم ما و مردم خودش آورده؟ اگر میان صاحب‌نظران مرتبط توافقی به وجود آید و اجماعی برای ساخت این سریال به وجود آید نیمه دوم سال ۹۲ و از شهریورماه پیش‌تولید سریال آغاز خواهد شد. این پروژه یک پروژه است و نیاز دارد همه دستگاه‌های دولتی غیردولتی مربوط به این نتیجه برسند که این کار باید انجام شود. هنوز مدافعان صدام زنده هستند و فعالیت، بمب‌گذاری و خرابکاری می‌کنند، بین آنها هزاران نظریه وجود دارد و از طرف دیگر بین ایران هم دیدگاه‌هایی وجود دارد تا این فیلمنامه بخواهد به متن قابل تایید و مشترک و توافق هم رسد زمان می‌برد.

پی‌نوشت: **سپروس مقدم** که **چند روزی** از **ساخت «مدینه»سریال ماه رمضان**ی شبکه یک **فارغ شده** است، در **گفت‌وگو با مهر** از **کارهای** در **پیش رویش** می‌گوید.

فرهنگستان

سپیده حیدرآبادی

گوهر خیراندیش این روزها با فیلم سینمایی «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» بار دیگر توانایی‌های خود را در ارائه بازی نقشی سه‌ل و متنوع به اثبات رسانده است. برای او که بازیگری بخش عمده و مهمی از زندگی‌اش را دربر می‌گیرد، اوضاع و احوال سینما به‌شدت حائز اهمیت است، برای همین است که نسبت به هر مقوله‌ای در ارتباط با این هنر واکنش نشان می‌دهد. با او این بار هم‌زمان با اکران تازه‌ترین فیلم بهروز افخمی درباره موضوع مهمی در تولیدات سینمایی ایران به نام شبکه نمایش خانگی حرف زده‌ایم و او از نگرانی‌اش درباره کیفیت نازل فیلم‌های ویدئویی و تولیدات شبکه نمایش خانگی گفت. بازیگر «کلاه پهلوی» براین امر واقف است که امروزه قاچاق فیلم‌ها یکی از مهم‌ترین معضلات سینمای ایران و تولیدات آن است. او به‌فرهیختگان می‌گوید: «این مشکلی است که در همه جای دنیا وجود دارد و در کشورها دیگر هم فیلم‌هایشان توسط قاچاقچیان کپی می‌شود، اما شرکت‌های توزیع‌کننده در کشورهای دیگر به دلیل اینکه فیلم‌هایشان را به کشورهای زیادی می‌فروشند، ضرر نمی‌کنند و با توجه به اینکه در کشور ما قانون کپی‌رایت وجود ندارد نمی‌توان جلوی این معضل را گرفت. هنرمندان بارها گوشزد کرده‌اند که این فیلم‌ها سرمایه‌شان محسوب می‌شود و با توجه به اینکه این فیلم‌ها با قیمت بسیار مناسبی در مراکز فرهنگی توزیع و با سرعت پس از اکران وارد بازار می‌شوند، دیگر لزومی برای کپی آنها وجود ندارد. البته این نکته را هم باید یادآور شوم درست است که کپی فیلم‌ها کار نادرستی است و هر کسی این کار را انجام دهد مجرم محسوب می‌شود ضمن اینکه از نظر اخقی و انسانی هم کار نادرستی است اما همین کار هم موجب می‌شود تا تماشاچیان فیلم‌های ما بیشتر شوند و سطح آگاهی مخاطب نسبت به سینما بالاتر می‌رود.»

از بازیگر «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» درباره کیفیت فیلم‌های نمایش خانگی که می‌پرسم، با انتقادات جدی روبه‌رو می‌شوم‌او می‌گوید: «زجمله خطری که این نوع فیلم‌ها می‌توانند با آن روبه‌رو شوند، نزدیک شدن به کارهای سطحی

خبر

گروه‌ادب وهنر: یک‌بار دیگر خبرنگاران مجالی پیدا کردند تا در حاشیه‌ی مراسم خون‌دهی رئیس سازمان سینمایی در سازمان انتقال خون از او درباره حاشیه‌های سینمای ایران پرسش کنند. حجت‌الله ایوبی که به همراه سینماگرانی چون اصغر فرهادی، حسن پورشیرازی، افسانه‌یایگان و غیره به سازمان انتقال خون رفته بود تا به مردم غر کمک کند، از صدور مجوز برای ساخت فیلم بهرام بیضایی خبر داد و گفت: «فیلمنامه مقصد به کارگردانی بهرام بیضایی موافقت اصولی را برای ساخت دریافت کرده‌است.» او درباره فیلمسازی ناصر تقوایی هم گفته: «گفت‌وگوهایی با

کتابی

فرهیختگان: گالری گلستان، عصر جمعه دهم مرداد از جاده‌های هراز و چالوس هم شلوغ‌تر بود؛ انبوه استقبال کنندگان از بیست‌و دومین نمایشگاه «صد اثر صد هنرمند» چنان بود که خیابان‌های اطراف گالری گلستان در خیابان کماسایی دروس، جایی برای پارک اتومبیل نداشت و همین حضور پررنگ مردم سبب شد افتتاحیه این قدیمی‌ترین رویداد تجسمی ایران با رکورد فروش قابل ملاحظه ۴۴۵ میلیون تومانی همراه شود. در عصر داغ روزهای میانی تابستان در حالی که به‌نظر می‌رسید پایتخت به‌جهت سفرشهرودانش خالی از دوستداران هنر باشد، گالری گلستان جای سوزن انداختن نداشت تاخاتم لیلی گلستان، فرصت سر خاراندن نداشته‌باشد. او پس از چندمد حدود ۲۰۰ اثر از ۱۶۰ هنرمند در گالری کوچکش، توانست ۳۸

نگاه نقد

دیوید مورلی، در کتابی با عنوان «تلویزیون خانوادگی» از انواع رفتارهای اجتماعی سخن به میان می‌آورد که حین مصرف تلویزیون در میان افراد یک خانه متداول است. عطف نظر او، تماشای تلویزیون، بیش از اینکه بخواهد عملی تفسیرگرانه باشد، نوعی رفتار اجتماعی است که پرده از لایه‌های زیرین کنش انسانی برمی‌دارد. تماشای تلویزیون، هم می‌تواند وسیله‌ای برای گوشه‌گیری باشد (با من حرف نزنیم، و در عین برنامه را تماشا می‌کنیم) و در عین حال میانجی شکل‌گیری ارتباطات میان اعضای خانواده و دلیلی برای شکل‌دهی گفتارهای گوناگون. گفتار

مورلی درباره تلویزیون را می‌توان درباره کلیت رسانه‌ها و مهمان ناخوانده‌ای چون «اینترنت» نیز به کار گرفت. کار این مهمان دیگر از ناخوانده بودن و سزندن دائم گذشته است. امروزه، هر رسانه و شبکه‌هایی که مجازی آن عضویت و اعضای خانواده‌هاست؛ عضوی که حضور مداومش در خانه‌ها، بیش از آنکه بخواهد موجب شادمانی افراد باشد، زمینه‌ساز شکل‌گیری دردسرهای فراوان شده است.

آنچنان که از عنوان این کار برمی‌آید، تم اصلی این نمایش مجازی‌شدن واقعیت است که در پوسته‌ای از تجربه زیسته ایرانی پیچیده شده و در قالب سه اپیزود مجزا به اجرا در می‌آید. هرچند

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۳ شماره ۱۴۳۸

ایده‌ها و نقدهای گوهر خیراندیش برای شبکه نمایش خانگی

فیلم‌های ویدئویی ماکت‌سازی برای برج‌هاست



است که بیشترین دغدغه‌اش فروش باشد و همین موضوع موجب می‌شود این فیلم‌ها از آثار قابل‌تامل دور شوند. آثار نمایش خانگی باید سالم و به صورت ارزان در سید خانواده‌ها قرار گیرد اما خطر اینکه مخاطب سینما را از دست بدهیم هم زیاد است. البته ناگفته نماند، مخاطبان حرفه‌ای سینما هم هستند که اگر فیلم‌های خوبی ساخته شود هیچ وقت قاب کوچک تلویزیون را به سینما ترجیح نمی‌دهند.»

بازیگر سریال پر مخاطب «مختارنامه» در داخل و خارج از کشور برای تولیدات ویدئویی در کشورهای دیگر ایده درخور تاملی داد‌او می‌گوید: «در سفرهایی که به کشورهای آلمان، انگلیس، فرانسه، آمریکا و مائزی داشتیم متوجه شدم تعدادی از شهروندان این کشورها و همچنین ایرانیان مهاجر در این کشورها تمامی سریال‌ها

رئیس سازمان سینمایی خبر داد

موافقت اصولی برای ساخت فیلم بیضایی

ناصر تقوایی برای ساخت فیلم جدیدش انجام داده‌ایم و از او برای ساخت فیلم دعوت و باو ی چندبار صحبت کرده‌ایم.» ایوبی می‌گوید سازمان سینمایی علاقه دارد تا تقوایی فیلم بسازد اما انگار به گفته ایوبی هنوز طرحی از طرف تقوایی ارائه‌نشده‌است. او درباره سرنوشت فیلم «گزارش یک جشن» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا نیز گفت: «این فیلم خریداری شده و نفس خرید یک فیلم به‌خودی‌خود بسیار خوب‌است اما همچنان درباره

گالری گلستان شلوغ‌تر از جاده‌های هراز و چالوس

فروش ۴۴۵ میلیونی افتتاحیه صد اثر صد هنرمند گالری گلستان

اثر را در مجموع به قیمت ۴۴۵ میلیون تومان به فروش رساند. گران‌ترین اثر به فروش رسیده در افتتاحیه، گران‌ترین کار «صد اثر صد هنرمند» بیست و دوم بود. «نقاشی کوچک انتزاعی از سهراب سپهری» که ۲۸۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شد و فروش رفت؛ تابلویی که اتفاقاً پشت سرمدیر گالری گلستان و هم‌تراز نگاه دیدار کنندگان نصب شده بود و در میان انبوه تابلوهایی که این روزها همه دیوارهای گالری را پوشانده‌اند «صدای پای آب» می‌دهد؛ اما از دیگر آثار به فروش رسیده می‌توان به تابلوهای سیدمحمد احصایی، فریده لاشایی، منش اسماعیل، بهجت صدر، ابراهیم جعفری و… اشاره کرد که به گفته لیلی گلستان در این فروش سه‌هم جوانان بسیار قابل توجه بود.

منظر تعداد آثار به نمایش درآمده، «صد اثر

ادب وهنر

فراهم نیست را می‌دهد.» گوهر خیراندیش برگزاری جشنواره را ایده قابل تاملی می‌داند که هنرمندان را تشویق به بهترشدن آثارشان می‌کند و دغدغه‌های آنان را فراتر از مسائل مالی می‌برد. او می‌گوید: «وقتی آثار در یک جشنواره و توسط افراد حاذق مورد بررسی قرار می‌گیرند موجب می‌شود هنرمندان در پروسه تولید نگاه سطحی به آثارشان نداشته باشند و فیلم‌های ویدئویی جای خود را در جشنواره فیلم فجر باز کنند و در این فستیوال بین‌المللی نگاه جدی‌تری به این بخش شود.» اینکه فیلم‌های ویدئویی چه مزایایی برای بالابردن کیفیت سینمایی ایران می‌تواند داشته باشد، نکته‌ای است که خیراندیش دست روی آن می‌گذارد و می‌گوید: «در ساخت این نوع فیلم‌ها هر فردی می‌تواند خودش تهیه‌کننده باشد و هم فکر و ایده‌اش را در فیلم موردنظرش پیاده کند، اما در فیلم‌های تلویزیونی با توجه به خط قرمزها و چارچوب خاصی که در آن وجود دارد، این امر محدودتر است و با توجه به اینکه تلویزیون مخاطب عام‌تری دارد حساسیت بیشتری در پرداختن به موضوعات وجود دارد.گاهی مخاطب ارزش فیلم‌های ویدئویی را کمتر از فیلم‌های سینمایی می‌داند تا آنجا که برخی بازیگران حاضر نیستند در این نوع فیلم‌ها نقش آفرینی کنند درحالی که این فیلم‌ها نه تنها ارزش کمتری نسبت به فیلم‌های سینمایی ندارند بلکه کار کردن در فیلم‌های ویدئویی نیز راحت‌تر است و این موضوع ازجمله محاسن بسیار مثبت فیلم‌های ویدئویی محسوب می‌شود. کار کردن در این حوزه برای جوانان مانند ماکت‌سازی برای برج‌های بلند است؛ زمانی که این تمرین‌ها را در سایه امنیت و حمایت به تصویر می‌کشیم به راحتی هم می‌توانیم حمایت آن را ببینیم.» بازیگر «اتش بس ۲» توجه به تولیدات ویدئویی را فرصت خوبی می‌داند برای جوان‌هایی که پشت درهای بسته ایستاده و منتظر بودجه‌های حمایتی هستند‌او می‌گوید: «از دیگر جنبه‌های مثبت فیلم‌های ویدئویی این است که در مدت زمان کوتاهی با موضوعات روز می‌توانیم با مخاطب در ارتباط باشیم و اگر امروز می‌بینیم کالای انبوه فیلم‌های ویدئویی در سید کالای فرهنگی مردم دیده می‌شود به همین علت است.»



سالن خوب ساخته‌شده‌باشد و از طرف دیگر زمانی فیلم خوب را می‌بینند که فیلم در یک سالن خوب به نمایش درآمده‌باشد.»

وضعیت نمایش این فیلم تصمیم جدیدی گرفته‌شده است.» او می‌گوید: بررسی‌های لازم برای فیلم «پادشاه» کرده‌ایم. ایوبی می‌گوید سازمان سینمایی نمایش آن هم صادر شده و فیلم مشکلی برای نمایش ندارد. او درباره برنامه سازمان سینمایی درخصوص ساخت سالن سینما گفت: «طرح‌های جامعی را آماده کرده‌ایم زیرا معتقدیم ساخت سالن خوب و فیلم خوب لازم و ملزوم همدیگر هستند و مردم زمانی به مجموعه تجربه‌ای آیند که

دیگر از شعرارهای همیشگی گالری گلستان، در این نمایشگاه هم رعایت شده است؛ وجود آثار ۲۰۰ هزار تومانی و حتی نقاشی‌هایی از برخی امضاهای شناخته‌شده زیر یک میلیون خود موید این نکته است. بنا به رسم این رویداد، هر اثری که به فروش می‌رود از روی دیوار برداشته و اثر دیگری جایگزین آن خواهد شد. به این ترتیب هر روز می‌توان انتظار نو شدن «صد اثر صد هنرمند» را داشت و چندین بار از این رویداد دیدن کرد.

بیست‌و دومین نمایشگاه «صد اثر صد هنرمند» تا ۲۹ مرداد در گالری گلستان واقع در خیابان دروس، خیابان کماسایی، پلاک ۲۴ دایر است و

علاقه‌مندان می‌توانند هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ بدون تعطیلی از این آثار دیدن کنند.

هاله میرمیری

فرزندش را به خوبی تربیت نکرده است. اپیزود سوم نیز، حول و حوش همین ماجراها دور می‌زند. دختری از خانواده‌ای سنتی و مذهبی به آلمان مهاجرت می‌کند، مجری اخبار است، زندگی خودپر گزیده در آلمان را به تجربه عروس شدن در ایران ترجیح می‌دهد، اما در تجربه گپ‌وگفت اینترنتی با مادر، در مواجهه با سوز و گدازهای مادر برای برگشتن و متحقق کردن آرزوهایی که مادر دارد، قرار می‌گیرد. برادر این دختر نیز، مانند سایر مردان این نمایش متکی بر همان واژه‌های آبرو و غیرت است. نمی‌داند که خواهرش به ادبیاتی است که سنت در نزد او مناسب بودن قیمت آثار است، که اقتضای مختلف مردم بتوانند اثر هنری اصل بخرند، یکی شده است.

اما او به ناچار به ادامه است. اپیزود دوم نیز به گونه‌ای دیگر با مساله حضور اینترنت در خانه مواجه است. این بار پیرامون عیان‌شدن تجربیات عرصه خصوصی در عرصه عمومی. در این اپیزود نیز شاهد آن هستیم که استاد معتمد الهیات نگران و دلمشغول عیان‌شدن تصاویری خصوصی از جشن تولد فرزندش در فضای مجازی است، آیین بار نیز واگانی چون غیرت، آبرو و ناموس به کمک تپیی چون او می‌آید تا قصورات و کاستی‌ها را به گردن همسری بگذارد که

اپیزود اول این نمایش، بازنمایی



که سلیمانی سعی می‌کند قرائتی تازه از مجازی‌شدن واقعیات زیست روزمره ایرانی ارائه دهد، نمایش او حول تپه‌هایی دور می‌زند که اکثرا کلیشه شده‌اند. اپیزود اول این نمایش، بازنمایی سبک زندگی روزمره زوج جوانی است که روابط آنها به میانجی سالن قشقای تئاتر شهر نیز می‌توان است که روابط آنها به میانجی روابط مجازی به نارابطه بدل شده است؛ زنی که به باشگاه می‌رود، آرایش می‌کند تا مرد او را ببیند، اما دیده نمی‌شود. این دیده نشدن از سوی مرد بهانه‌ای می‌شود برای ایجاد روابط مجازی زن. اگرچه مرد

خبرچین

شوالیه در ورز شگاه



شهرام ناظری که به اردبیل رفته بود تا کنسرت برگزار کند از سالن کنسرتش شکایت کرد و گفت: «سالن ورزشی جای مناسبی برای برگزاری کنسرت موسیقی نیست.» او در سالن ورزشی روضاه اردبیل به روی صحنه رفت و از وضعیت نامطلوب آگوستیک سالن گل کرد. او که روی سخنش به مسئولان بود، گفت: «مسئولان فرهنگی اردبیل باید در آینده نزدیک به فکر ساخت سالن ویژه موسیقی باشند تا برنامه‌های مناسبی در شان مردم اردبیل ارائه شود.» ناظری یک شب به روی صحنه رفت. فرید الهامی آهنگساز گروه موسیقی «فردوسی» که با شوالیه آواز ایران به اردبیل رفته بود هم درباره سفرشان گفت: «استقبال خوبی از سوی مردم اردبیل برای تماشای کنسرت شهرام ناظری شد. به این ترتیب که شوالیه آواز ایران در این کنسرت قطعه‌ای را با عنوان مولانا اجرا کرد که آهنگسازی‌اش برعهده من بود. ترانه‌های «جنون عشق»، «شدک، اندک» و «فصل رندان» نیز بیش از همه قطعات مورد توجه قرار گرفتند.»

برترین‌های مستندجهان

کدام مستندهای جهان جزء برترین‌ها هستند؟ نشریه معتبر سینمایی «سلیاتن ساون» از ۲۰۰ منتقد سینمایی خواسته تا برترین‌های مستند تاریخ سینمای جهان را معرفی کنند و از لیستی که به دست آمده مستند صامت «مردی با دوربین فیلمبرداری» ساخته «بگا ورتوف» محصول ۱۹۲۹ در میان ۱۰ ساخته مستند تاریخ سینما در مکان نخست قرار گرفته است. فیلم «شاه» ساخته معروف «کلود لوتزن» محصول سال ۱۹۵۸ «فرانسواز در مکان دوم قرار گرفت و پس از آن مستند «بدون خورشید» به کارگردانی «کریس مارکر» (۱۹۸۲، فرانسه) جایگاه سوم را از آن خود کرد. در مکان‌های چهارم تا دهم برترین ساخته‌های مستند تاریخ سینما نیز به ترتیب «شب و مه» ساخته «آلن رنه» (۱۹۵۵، فرانسه)، «خط پاریک آبی» از «رول موریس» (۱۹۸۹، آمریکا)، «ژان روش» و «الگار مورین» (فرانسه، ۱۹۶۱)، «هاتوک شمال» ساخته «رابرت فلاهرتی» (آمریکا، ۱۹۲۲)، «خوشه چین‌ها و من» ساخته «آنیس واردا» (فرانسه، ۲۰۰۰)، «به عقب نگاه نکن» به کارگردانی «دی. ای پتینکر» (آمریکا، ۱۹۶۷) و «باغ‌های خاکستری» از «آلبرت دیوید مایر»، «آلن هود» و «هالی میر» (آمریکا، ۱۹۷۵) قرار گرفته‌اند.

خط دم

هفت فیلم برتر سینمایی و مستند ایرانی با موضوعات دفاع مقدس، صلح و دوستی و با زیرنویس ژاپنی در ایام سالگرد بمباران اتمی هیروشیما در بهترین سالن نمایش این شهر (هاتکوزا) و همچنین شهر توکیو، در معرض دید شرکت‌کنندگان صلح‌طلب این مراسم از سراسر جهان قرار خواهد گرفت.

مدیر نگارخانه‌های «فرش‌های ایران» خبر داد که بخشی از این فرش‌ها قدیمی و برخی دیگر براساس طرح‌های قدیمی به تازگی بافته شده‌اند.

دیک اسمیت چهره‌پرداز مطرح فیلم‌هایی چون «پدر خوانده»، «راننده تاکسی»، «بزرگ مرد کوچک» و «جن گیر» پس از هفتاد سال فعالیت درخشان در عرصه سینما در ۹۲ سالگی درگذشت. اسمیت یکی از معدود چهره‌های هالیوودی است که نه به‌عنوان بازیگر و کارگردان بلکه در مقام یک چهره‌پرداز به چنین شهرتی در هالیوود دست یافت تا آنجا که او را پدر خوانده گرم سینمای جهان می‌نامیدند. از ماندگارترین چهره‌پرداز‌های «اسمیت» در سینما می‌توان به گرم «مارلون براندو» فیلم «پدرخوانده» ساخته «فرانسیس فورد کاپولا»، گرم ترسناک «لیندا بلر» در فیلم «جن گیر» ساخته «ویلیام فریدکین» و چهره‌پرداز «رابرت دیرو» در فیلم «راننده تاکسی» ساخته «مارتین اسکورسیزی» اشاره کرد.